

## بررسی تأثیر اجرای مدیریت دانش بر توسعه اقتصاد اطلاعات با رویکرد شرکت‌های دانش بنیان حوزه فناوری اطلاعات

فرشاد رزم آزما

کارشناسی ارشد مهندسی صنایع؛ مدیریت سیستم و بهره‌وری

### چکیده

مدیریت دانش و اقتصاد اطلاعات دو حوزه مهم در مدیریت سازمانی هستند که به دو زمینه مختلف از اطلاعات و دانش تمرکز دارند. در حقیقت، این دو حوزه به‌طور تدریجی با یکدیگر تداخل و همکاری دارند و نقش مهمی در بهبود عملکرد و توسعه سازمان‌ها دارند. مدیریت دانش به مدیریت دانش‌ها، تجربیات، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد در یک سازمان می‌پردازد. بر همین اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تأثیر اجرای مدیریت دانش بر توسعه اقتصاد اطلاعات بدین منظور از دیدمان تحقیق کمی بر پایه بررسی میدانی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های دانش بنیان فعال در حوزه فناوری اطلاعات بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، در نهایت ۱۸۰ نفر از میان افراد مشغول در این شرکت‌ها به-عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخت بود که روایی آن با استفاده از نظرخواهی از متخصصان و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ و شاخص پایایی ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت که برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بوده و تأیید شد. همچنین مقیاس مورد استفاده در پاسخ پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) بود. روش اصلی آماری، مدل‌سازی معادلات ساختاری بود و به‌منظور داده‌پردازی از نرم‌افزارهای SPSS و PLS استفاده شد. یافته‌های مدل نشان می‌دهد که مدیریت دانش و مؤلفه‌های آن بر اقتصاد اطلاعات به لحاظ آماری دارای نقش معنی‌داری هستند و اقتصاد اطلاعات و وضعیت آن تابعی از مدیریت دانش و مؤلفه‌های آن است، به‌گونه‌ای که تا ۳۳ درصد از واریانس وضعیت اقتصاد اطلاعات به مدیریت دانش و وضعیت آن وابسته است. یافته‌های این پژوهش چارچوب مفهومی‌ای را برای توسعه نظریه‌های آینده فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: مدیریت دانش، اقتصاد اطلاعات، فناوری اطلاعات

## مقدمه

اقتصاد به فرایند یا نظام تولید، فروش و خرید کالاها و خدمات مربوط می‌شود. علم اقتصاد از علوم اجتماعی است که به‌طور ویژه به توصیف و تجزیه و تحلیل فرایند یا نظام‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد (فرهنگ وبستر، ۱۳۹۴). در مقایسه با فرهنگ وبستر، باب‌الحوائجی اقتصاد را به‌عنوان علمی که رفتار بشر را به‌عنوان رابطی میان منافع و وسایل کمیاب مطالعه می‌کند، معرفی کرده است (باب‌الحوائجی، ۱۳۸۶، ۳۰)؛ محسنی (۱۳۸۰) نگاه جامع‌تری داشته و عدم وجود توافق در مورد تعریف علم اقتصاد را یادآور می‌شوند. آنها خاطر نشان می‌سازد که دو نگرش نسبت به تعریف علم اقتصاد وجود دارد، عده‌ای آن را مطالعه و بررسی تولید، توزیع و مصرف ثروت در جامع انسانی می‌دانند؛ و گروه دیگر علم اقتصاد را، علم بهره‌گیری از منابع کمیاب به‌منظور نیل به رفاه اجتماعی در جامعه بشری تعریف می‌کنند (لیو و همکاران، ۲۰۲۴).

با این وجود، محسنی اقتصاد اطلاعات را عبارت از مطالعه و بررسی تولید، توزیع، بازاریابی، قیمت‌گذاری، فروش، مصرف و کلیه درآمدهایی که مستقیم یا غیرمستقیم از طریق تولید، انتشار، فروش، ذخیره، پردازش و دسترسی به اطلاعات حاصل می‌شود، تعریف کرده است. این پژوهشگر از تعریف اول علم اقتصاد برای تعریف اقتصاد اطلاعات استفاده کرده است (هرمزی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲).

از سویی دیگر، اگرچه باب‌الحوائجی از تعریف دوم علم اقتصاد برای توضیح اقتصاد اطلاعات بهره می‌گیرد؛ با این وجود در تعریف اقتصاد اطلاعات، یک نوع آشتی بین تعریف اول و تعریف دوم برقرار می‌کند و می‌افزاید اقتصادی کردن منابع کمیاب، مسئله اصلی اقتصاد است. از آنجایی که فعالیت‌های خلق، جمع‌آوری، پردازش، سازمان‌دهی، اشاعه و استفاده از اطلاعات شامل منابع کمیاب است در حوزه اقتصاد اطلاعات مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مقایسه دو نظر مطرح شده درباره علم اقتصاد، گروه دوم هدف علم اقتصاد را رسیدن به رفاه اجتماعی ذکر می‌کنند (علی‌آبادیان و همکاران، ۱۴۰۱). در حالی که گروه اول هدف خاصی را مطرح نمی‌کنند که ممکن است کسب سود بیشتر یا هدف دیگری، به‌عنوان هدف علم اقتصاد در نظر گرفته شود. در تبیین اینکه کدام تعریف برای اقتصاد اطلاعات پذیرفتنی است، می‌توان گفت که اگرچه دو تعریف متمایز از همدیگر به نظر می‌رسند اما با توجه بیشتر مشخص می‌گردد که تعریف دوم، خود زیرمجموعه تعریف اول است، با این تفاوت که در تعریف اول سخنی از هدف به میان نیامده است (دهقان و همکاران، ۱۴۰۰).

با ذکر مثالی می‌توان این موضوع را به‌روشنی تبیین نمود؛ بدین صورت که برای ناشران، علم اقتصاد و پژوهش‌های اقتصادی که روش‌ها و الگوهای کسب سود بیشتر را برای آن‌ها ارائه می‌کند، مورد توجه است و برای کتابخانه‌ها و خریداران اطلاعات، علم اقتصاد و پژوهش‌های اقتصادی که روش‌ها و الگوهایی که خرید را با کمترین هزینه ممکن می‌سازند، مورد توجه قرار می‌گیرد لذا، متفاوت بودن حوزه کاری باعث تفاوت در تعریف علم اقتصاد می‌گردد. به همین علت تعریف اول برای تبیین اقتصاد اطلاعات تعریف جامع‌تری است. در اقتصاد اطلاعات مباحثی از قبیل تولید، توزیع، بازاریابی، قیمت‌گذاری، فروش، مصرف و کلیه درآمدهایی که از طریق تولید، انتشار، فروش، ذخیره پردازش و دسترسی به اطلاعات حاصل می‌شود، مطالعه می‌شود؛ به عبارت دیگر در اقتصاد اطلاعات خرید، فروش و توزیع مصنوعات اطلاعاتی نیز بحث می‌شود (ژو و همکاران، ۲۰۲۴).

بر همین اساس بایستی گفت اقتصاد اطلاعات یک مفهوم است که به تحلیل، مدیریت و بهره‌وری از اطلاعات و داده‌ها در یک سازمان یا جامعه اشاره دارد. این مفهوم به اهمیت اطلاعات به عنوان یک منبع اصلی برای تصمیم‌گیری و رشد اقتصادی تاکید دارد. اقتصاد اطلاعات به‌طور گسترده در حوزه‌های مختلف از جمله تجارت الکترونیک، بازاریابی دیجیتال، تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح به تغییراتی که اطلاعات و فناوری اطلاعات در اقتصاد و تجارت ایجاد کرده‌اند، اشاره دارد (یو، ۲۰۲۲).

از طرفی، در رابطه با مدیریت دانش و نقش آن در انتشار اطلاعات و اقتصاد اطلاعات می توان عنوان داشت مدیریت دانش یک رویکرد استراتژیک است که به مدیریت دانش‌ها، تجربیات، مهارت‌ها و دانش‌های موجود در یک سازمان می‌پردازد. این رویکرد بر انتقال دانش و تجربیات بین اعضای سازمان، ایجاد فضاهای کاری مشترک برای به اشتراک گذاری دانش و ایجاد ارزش از دانش سازمانی تمرکز دارد. هدف اصلی مدیریت دانش، ایجاد یک فضای سازمانی که از تجربیات و دانش افراد بهره‌مند شود و این دانش به صورت سازمانی تبادل و به اشتراک گذاری شود. این فرایند شامل جمع‌آوری، ذخیره، سازماندهی، ارزیابی و بهره‌برداری از دانش‌ها و تجربیات موجود در سازمان می‌شود (کوردوا و بنیس، ۲۰۲۲).

مدیریت دانش به سازمان‌ها کمک می‌کند تا از دانش و تجربیات خود به بهترین شکل ممکن استفاده کنند، از تکرار خطاها جلوگیری کنند، افراد را ترغیب به به اشتراک گذاری دانش کند و ارزش افزوده بیشتری از دانش سازمانی به دست آورند. به‌طور خلاصه، مدیریت دانش به ایجاد یک فرهنگ سازمانی از به اشتراک گذاری و بهره‌برداری از دانش و تجربیات افراد می‌پردازد که در نهایت منجر به افزایش عملکرد و ارزش افزوده سازمانی می‌شود (جسیم و الدین و ساسی، ۲۰۲۲).

مدیریت دانش و اقتصاد اطلاعات دو حوزه مهم در مدیریت سازمانی هستند که به دو زمینه مختلف از اطلاعات و دانش تمرکز دارند. در حقیقت، این دو حوزه به‌طور تدریجی با یکدیگر تداخل و همکاری دارند و نقش مهمی در بهبود عملکرد و توسعه سازمان‌ها دارند. مدیریت دانش به مدیریت دانش‌ها، تجربیات، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد در یک سازمان می‌پردازد. این حوزه بر روی ارتقاء انتقال دانش و تجربیات بین اعضای سازمان، ایجاد فضاهای کاری مشترک برای به اشتراک گذاری دانش و ایجاد ارزش از دانش سازمانی تمرکز دارد (لی، ۲۰۱۷).

از سوی دیگر، اقتصاد اطلاعات بر روی جمع‌آوری، ذخیره، پردازش و بهره‌برداری از اطلاعات و داده‌ها برای ایجاد ارزش و افزایش بهره‌وری در سازمان تمرکز دارد. این حوزه به تحلیل داده‌ها، استفاده از فناوری اطلاعات و ابزارهای مدیریت اطلاعات برای ارتقاء تصمیم‌گیری‌ها و بهره‌وری در سازمان می‌پردازد. با توجه به این توضیحات، می‌توان گفت که مدیریت دانش و اقتصاد اطلاعات به‌طور همزمان و همکاری با یکدیگر می‌توانند به بهبود عملکرد و افزایش ارزش اطلاعات و دانش در سازمان‌ها کمک کنند. از این رو، ترکیب این دو حوزه می‌تواند به ایجاد یک محیط سازمانی پویا و پر از اطلاعات و دانش منجر شود (تومولک و همکاران، ۲۰۲۴). در نتیجه، نظر به مطالب عنوان شده و نیز نقش حیاتی‌ای که مدیریت دانش و مؤلفه‌های آن می‌توانند در اقتصاد اطلاعات ایفا کنند، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر اجرای مدیریت دانش بر توسعه اقتصاد اطلاعات صورت پذیرفت.

## روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها، میدانی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها نیز از نوع تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) به شمار می‌رود. جامعه هدف در پژوهش حاضر شرکت‌های دانش بنیان که در حوزه فناوری اطلاعات فعالیت می‌کنند بودند. بر این اساس که آمار و اطلاعات دقیقی از تعداد شرکت‌های این حوزه و نیز این که چه تعداد افرادی در این شرکت‌ها فعالیت می‌کنند حجم جامعه نامحدود در نظر گرفته شد، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که با معلوم نبودن حجم جامعه، نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده، تعداد پاسخگویان با در نظر گرفتن خطای ۵ درصد برابر با ۲۱۵ نفر مشخص شد. سپس به شیوه نمونه‌گیری در دسترس داده‌های پژوهش جمع‌آوری شد که پس از گردآوری و بررسی اولیه داده‌ها، پرسشنامه‌های ناقص حذف شده و در آخر تحلیل داده‌ها با ۱۸۰ پرسشنامه صورت گرفت. ابزار اصلی جهت گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه‌ای بود که مشتمل بر ۳ بخش کلی بود: بخش اول مربوط به خصوصیات فردی و حرفه‌ای پاسخگویان، بخش دوم سوالات مرتبط با مدیریت دانش و مولفه‌های آن و نیز بخش سوم سوالات مربوط به سوالات مرتبط با اقتصاد اطلاعات بود، در قالب طیف لیکرت بود. روایی پرسشنامه با نظر پنل متخصصان بررسی شده و مورد تأیید واقع شد؛

همچنین به منظور اطمینان از دقت و اعتمادپذیری پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که می‌توان گفت برای بخش‌های مختلف پرسشنامه با توجه به مقادیر به دست آمده ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی سازه‌ها بالای ۰/۷ بوده و مطلوب می‌باشد. جهت پردازش داده‌های گردآوری شده در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه از نرم‌افزارهای SPSS 25 و PLS 3 نسخه استفاده شد. در بخش آمار توصیفی پژوهش، به بررسی داده‌های مربوط به ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان مانند سن و جنسیت پرداخته شد. افزون بر این در سطح آمار استنباطی و نیز جهت آزمودن مدل و فرضیه‌های پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. با توجه به حجم نمونه حاضر (۱۸۰ نفر) و مطالعه ۴ مسیر در طی مدل، حجم نمونه جهت برآورد مدل کفایت می‌کند در این پژوهش جهت تخمین پارامترها از روش بوت استرپ استفاده شد که از طریق بازنمونه‌گیری، معنی‌داری پارامترها را مورد آزمون قرار می‌دهد. در این پژوهش از تعداد ۷۰۰ بازنمونه‌گیری در کنار ۴۰۰ بازنمونه‌گیری برای دقت بهتر تحقیق استفاده شد.

### یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که در نمونه مورد بررسی از نظر جنسیت ۶۵ درصد پاسخگویان مرد و ۳۵ درصد نیز زن بودند. همچنین از نظر سنی نیز بیشترین فراوانی مربوط به افراد ۲۵ سال بود که ۳۵ درصد از پاسخگویان را شامل می‌شد. افزون بر این، دامنه سنی پاسخگویان از ۱۹ سال تا ۴۹ سال متغیر بود. از نظر رشته و گرایش تحصیلی، بیشترین فراوانی در بین پاسخگویان مربوط به رشته فناوری اطلاعات بود که ۲۸ درصد حجم نمونه آماری را به خود اختصاص داده بودند.

پس از ارائه یک رخنمای کلی از ویژگی‌های پاسخگویان و شرکت‌کنندگان در پژوهش، تأثیر مدیریت دانش و مؤلفه‌های آن بر اقتصاد اطلاعات مورد توجه قرار گرفت. نخست لازم است وضعیت ساختارهای عاملی برای بررسی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان مدل ارزیابی شود. در قالب روایی سازه این مهم بررسی می‌شود که آیا نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌های مورد نظر دقت کافی را دارند یا خیر؟ برای این امر از تحلیل عاملی تأییدی استفاده می‌شود؛ به این صورت که اگر بار عاملی هر نشانگر با سازه مقدار  $t$  بالاتر از مقدار ۱/۹۶ داشته باشد، این نشانگر داری دقت کافی برای سنجش آن سازه است. نتایج بارهای عاملی مشخص می‌کند که همه نشانگرها معنی دار هستند (جدول ۱). فزون بر روایی سازه که برای بررسی اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌ها به کار می‌رود، روایی تشخیصی نیز در این تحقیق مورد نظر بود. به این معنا که نشانگرهای هر سازه در نهایت تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند. نتایج بررسی روایی تشخیصی بر مبنای معیار فورنل و لارکر نشان می‌دهد که نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌های موجود روایی تشخیصی لازم را دارند (جدول ۲).

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی تأییدی به همراه معنی‌داری آنان

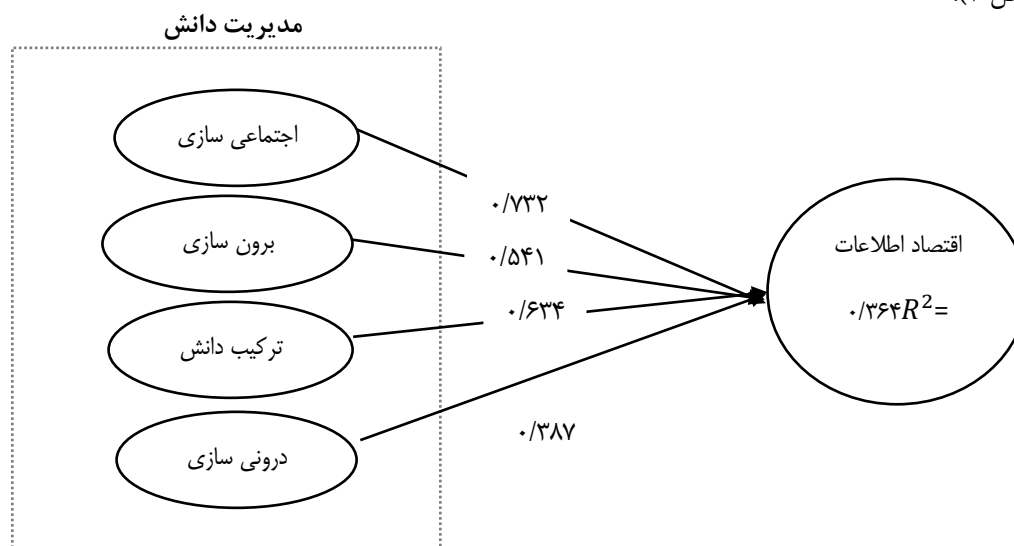
سازه	متغیر	بار عاملی	t	Sig.	CR	AVE
اجتماعی سازی	مدیریت دانش کارکنان را به تسهیم و مشارکت در اطلاعات و دانش، جهت پیشبرد اهداف سازمان تشویق می‌کند.	۰/۷۰۰	۱۰/۱۱	۰/۰۱	۹۲۲	۶۶۵
	کارکنان بر این اعتقادند که مشارکت در دانش به ایشان در ارتقاء مسیر شغلی کمک می‌کند.	۰/۸۶۶	۸/۸۲	۰/۰۱	۰/	۰/
	درسازمان برای کارکنانی که در امر مشارکت در دانش شرکت نمی‌کنند، عواقب	۰/۶۴۹	۱۱/۱۳	۰/۰۱		

					منفی وجود خواهد داشت.		
		۰/۱	۹/۹۳	۰/۸۳۰	اعتماد دو جانبه بین کارکنان به منظور تسهیل جریان دانش در سازمان الزامی است.		
		۰/۱	۱۲/۴۲	۰/۷۹۱	سازمان جلساتی را برای آشنایی هر چه بیشتر کارکنان با یکدیگر برگزار می کند.		
۸۴۸	۹۳۵	۰/۱	۱۶/۷۸	۰/۸۵۴	سازمان به منظور ترغیب کارکنان به مشارکت در دانش برنامه های تشویقی مناسبی ترتیب داده است.	برون سازی	
۰/	۰/	۰/۱	۱۰/۱۹	۰/۷۱۵	کارکنان امروزه بیش از قبل به دنبال برگزاری رویدادهایی نظیر جلسات و اجتماعاتی هستند که امر تبادل دانش را تسریع و تسهیل می کند.	دانش	
		۰/۱	۱۴/۲۱	۰/۶۳۳	سازمان در اجرای استراتژی مدیریت اطلاعات و دانش سازمانی موفق عمل کرده است.		
		۰/۱	۱۵/۴۳	۰/۷۸۴	کارکنان امروزه اسناد و مدارک خود را بیشتر در معرض دسترس دیگران قرار می دهند.		
		۰/۱	۱۲/۷۸	۰/۷۶۸	یک استراتژی دانش مناسب می تواند منجر به ارتقاء یادگیری کارکنان گردد.		
۸۹۴	۹۵۸	۰/۱	۱۳/۷۱	۰/۸۴۵	سازمان جهت اجرای مدیریت دانش با مشکلات روبرو است و دلیل آن این است که تمرکز سازمان بیش از آنکه بر حل مشکلات مردم باشد بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است.	ترکیب دانش	
۰/	۰/	۰/۱	۱۱/۷۸	۰/۷۳۴	سازمان جهت اجرای مدیریت دانش با مشکل روبرو است و دلیل آن این است که مشارکت در مدیریت دانش سازمانی، از جمله اولویت های مهم سازمان به شمار نمی رود		
۰۰۰	۰۰۰	--	--	۰/۹۲۵	اقتصاد اطلاعات	اقتصاد	
۱/	۱/				اطلاعات		
		۰/۱	۱۲/۷۴	۰/۷۹۰	به منظور خلق مدیریت دانش سازمانی به طور موفقیت آمیز، نو آوریها تکنولوژیکی امری لازم و ضروری است.		
۹۷۱	۹۴۶	۰/۱	۱۵/۵۴	۰/۶۹۵	سازمان به منظور ایجاد دانش، به میزان زیادی متکی بر کامپیوتر و شبکه می باشد	درونی سازی	
۰/	۰/	۰/۱	۱۴/۶۱	۰/۵۴۸	سازمان در مواجهه با تکنولوژی های جدید و استفاده از آن با مشکل روبرو است.		
		۰/۱	۱۴/۲۸	۰/۸۴۸	می توان کلیه فرم های دانش سازمانی را در قالب یک فایل الکترونیکی ارائه داد.		

سازه ها	۱	۲	۳	۴	۵
اجتماعی سازی (۱)	۰/۸۱۶	---	---	---	---

---	---	---	۰/۹۲۱	۰/۲۹۷	برون سازی دانش (۲)
---	---	۰/۹۴۶	۰/۳۹۱	۰/۱۳۶	ترکیب دانش (۳)
---	۰/۹۸۵	۰/۳۸۶	۰/۳۸۱	۰/۱۵۹	درونی سازی (۴)
۱/۰۰۰	۰/۴۸۶	۰/۲۶۱	۰/۲۶۸	۰/۲۴۷	اقتصاد اطلاعات (۸)

پس از دستیابی به اطمینان از درستی اندازه‌گیری سازه‌های مورد نظر، در این مرحله از پژوهش با استفاده از مدل ساختاری رابطه‌های بین سازه‌ها بررسی می‌شود. در واقع با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده از بررسی رابطه‌های بین سازه‌های مستقل و وابسته با استفاده از ضریب مربوطه، می‌توان به بررسی معنی‌داری اثر بین سازه‌های پژوهش پرداخت. برای بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر از روش بوت استرپ استفاده شده است که برای این منظور از روش بازنمونه‌گیری در دو حالت ۴۰۰ و ۷۰۰ نمونه استفاده شد. نتایج بیان‌کننده این مهم هستند که در هر دو حالت معنی‌داری یا بی‌معنی بودن فراسنجه تغییری ایجاد نشده و نتایج اعتبار بالایی دارند (شکل ۲).



شکل ۱. مدل مسیر اثرهای متغیرهای پژوهش

جدول ۲. ضریب‌های مسیر و معنی‌داری اثرات متغیرهای تحقیق

از سازه	به سازه	ضریب مسیر	مقدار t	Sig.
اجتماعی سازی	اقتصاد اطلاعات	۰/۷۳۲	۱۳/۴۶	۰/۰۰۱
برون سازی	اقتصاد اطلاعات	۰/۵۴۱	۹/۸۲	۰/۰۲۴
ترکیب دانش	اقتصاد اطلاعات	۰/۶۳۴	۱۱/۴۸	۰/۰۰۱
درونی سازی	اقتصاد اطلاعات	۰/۳۸۷	۳/۶۶	۰/۰۲۹

بنا بر جدول بالا می‌توان فرض‌های پژوهش را مورد بحث قرار داد. فرضیه نخست تحقیق بیان می‌کند که بُعد اجتماعی سازی در مدیریت دانش بر اقتصاد اطلاعات و بهبود آن از نظر آماری دارای اثر معنی‌داری می‌باشد. واکاوی ضریب‌های مسیر نشان می‌دهد که اثر بُعد اجتماعی سازی بر اقتصاد اطلاعات ۰/۷۳۲ محاسبه شده که دارای سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد. در نتیجه فرض صفر با اطمینان ۹۹٪ رد شده و نظر به ضریب مثبت و معنی‌دار، می‌توان نتیجه گرفت وجود مولفه اجتماعی سازی دانش و اطلاعات در سازمان‌ها موجب بهبود وضعیت اقتصاد اطلاعات می‌شود. همچنین فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد اثر بُعد برون سازی دانش بر اقتصاد اطلاعات، به لحاظ آماری معنی‌دار است. ضریب مسیر بُعد برون سازی دانش بر اقتصاد اطلاعات برابر با ۰/۵۴۱ به دست آمده که سطح معنی‌داری آن پایین‌تر از ۰/۰۱ بوده و دلیل کافی برای رد فرض صفر وجود دارد. بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می‌توان بیان داشت برون سازی دانش در سازمان‌ها بعنوان دومین مولفه از عناصر مدیریت دانش اثر معنی‌داری در قالب یک روند خطی بر بهبود وضعیت اقتصاد اطلاعات دارد. در نتیجه هرچه میزان میزان برون سازی دانش و اطلاعات در سازمان‌ها بیشتر باشد، وضعیت اقتصاد اطلاعات نیز بهتر خواهد بود.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌دارد که اثر ترکیب دانش بر اقتصاد اطلاعات به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهند ضریب مسیر اثر ترکیب دانش بر اقتصاد اطلاعات ۰/۶۳۴ محاسبه شده که سطح معنی‌داری آن پایین‌تر از ۰/۰۱ است و به همین خاطر با اطمینان ۹۹٪ دلیل کافی برای رد فرض صفر وجود دارد. بنابر این فرض، هرچه میزان ترمیم دانش و اطلاعات بیشتر باشد، وضعیت اقتصاد اطلاعات نیز بهتر و موفق‌تر خواهد بود. در فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌شود که اثر بُعد درونی سازی دانش بر اقتصاد اطلاعات به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهند که ضریب مسیر این بُعد بر روی اقتصاد اطلاعات برابر با ۰/۳۸۷ به دست آمده و سطح معنی‌داری آن بین ۰/۰۱ و ۰/۰۵ بوده است. با توجه به همین موضوع، فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. در نتیجه متغیر درونی سازی، بعنوان چهارمین بُعد مدیریت دانش، اثر معنی‌داری بر روی اقتصاد اطلاعات دارد.

در پایان برای نشان دادن اعتبار یافته‌های مدل پژوهش از شاخص‌های برازش مدل‌های معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. شاخص میانگین عامل تورش واریانس برابر ۴/۳۶ به دست آمده است. این نتیجه نشان می‌دهد که هم-راستایی چندگانه در مدل به‌طور کامل کنترل شده و دقت برآورد مدل در پیش‌بینی متغیر وابسته، دارای قابلیت اعتماد بالایی است. وضعیت تورش واریانس برای متغیرهای مستقل پیش‌بینی-کننده مدل پژوهش نشان می‌دهد هرکدام از ابعاد مستقل پژوهش دارای نقش ویژه به خود بوده و در شکل‌گیری میزان واریانس مشخص شده مدل هیچ تداخل قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. به این دلیل که شاخص عامل تورش واریانس برای همه سازه‌هایی که در مسیر نقش متغیر پیش‌بینی را ایفا کرده‌اند پایین‌تر از حد بحرانی ۵ محاسبه شده است. این حد بحرانی بیشترین میزان ضریب تحمل هم‌پوشانی واریانس‌های تبیین شده است و میزان پایین‌تر از آن نشان دهنده نبود ویژگی جایگزینی در میان متغیرهای مستقل است که از بنیانی‌ترین مفروضات سیستم‌های معادلات هم‌زمان است. همچنین شاخص‌های میانگین واریانس تبیین شده و میانگین ضرایب مسیر نشان می‌دهند که رابطه‌های بین متغیرها به خوبی شناسایی شده است. مقدار شاخص میانگین واریانس تبیین شده دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۴ است و بیان کننده این مهم است که بخش مهمی از واریانس موجود در داده‌ها با رابطه‌های موجود بیان شده است. افزون بر این شاخص میانگین ضریب‌های مسیر دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۲۲ بوده و بیان می‌کند ضریب‌های موجود برای بیان رابطه‌های علی-ارتباطی قابل تکرار و دقت لازم برای بیان رابطه‌ها را دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که عنوان شد، اقتصاد اطلاعات یک رویکرد جدید در حوزه اقتصاد است که به بررسی نقش و اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اقتصاد تمرکز دارد. این رویکرد به بررسی نحوه استفاده از داده‌ها، اطلاعات و فناوری‌های جدید برای افزایش بهره‌وری و

رشد اقتصادی می‌پردازد. اقتصاد اطلاعات به دنبال شناخت و تحلیل تأثیرات تغییرات در فناوری اطلاعاتی بر عملکرد اقتصادی، رقابتی و سازمانی است. این رویکرد به عنوان یکی از عوامل مهم در تحولات اقتصادی و اجتماعی معرفی شده است و به توسعه و بهبود فرایندها، خدمات و محصولات اقتصادی کمک می‌کند. اقتصاد اطلاعات به عنوان یک دیدگاه جدید در اقتصاد، به تحلیل و بررسی تأثیرات فناوری اطلاعات بر اقتصاد و جوامع مختلف می‌پردازد.

از طرفی، مدیریت دانش یک رویکرد استراتژیک است که به جمع‌آوری، ذخیره، انتقال و بهره‌برداری از دانش و تجربه‌های موجود در سازمان می‌پردازد. این رویکرد به تأکید بر اهمیت دانش به عنوان یک منبع ارزشمند برای سازمان‌ها و نقش آن در افزایش بهره‌وری، نوآوری و رشد سازمانی توجه دارد. مدیریت دانش شامل فرآیندها، سیاست‌ها، فناوری‌ها و فرهنگ‌هایی است که برای مدیریت دانش در سازمان‌ها استفاده می‌شود.

مدیریت دانش به عنوان یک رویکرد استراتژیک برای جمع‌آوری، انتقال و استفاده از دانش در یک سازمان، می‌تواند بهبود وضعیت اقتصاد اطلاعاتی را تسهیل کند. این رویکرد می‌تواند به شکل‌دهی به داده‌ها، اطلاعات و دانش در سازمان کمک کرده و امکان ایجاد تصمیم‌گیری‌های بهتر و افزایش بهره‌وری را فراهم کند.

درنهایت، نظر به یافته‌های این پژوهش می‌توان عنوان داشت که مدیریت دانش به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی اثرگذار بر اقتصاد اطلاعات، می‌تواند بهبود اقتصاد اطلاعات را به دو شکل زیر تسهیل کند:

- افزایش بهره‌وری: با جمع‌آوری، ذخیره و بهره‌برداری از دانش و تجربیات موجود در سازمان، امکان بهبود فرایندها و افزایش بهره‌وری در سازمان فراهم می‌شود. همچنین انتقال دانش به افراد دیگر در سازمان، می‌تواند باعث افزایش کیفیت کار و بهبود عملکرد سازمان و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصاد اطلاعات در سازمان شود.
  - ایجاد ارزش افزوده: با بهره‌برداری از دانش و تجربیات موجود در سازمان و ایجاد دانش جدید، امکان ایجاد ارزش افزوده برای سازمان فراهم می‌شود. این ارزش افزوده می‌تواند به صورت تولید محصولات و خدمات جدید، بهبود فرایندها و کاهش هزینه‌ها، افزایش رضایت مشتریان و افزایش سهم بازار سازمان ایجاد شده و در نتیجه فواید آن به لحاظ اقتصادی ملموس شود.
  - جمع‌آوری و ثبت دانش: ایجاد یک سیستم مدیریت دانش برای جمع‌آوری، ثبت و دسته‌بندی دانش و اطلاعات می‌تواند بهبود قابل توجهی در اقتصاد اطلاعاتی داشته باشد.
  - انتقال دانش: تسهیل فرآیندهای انتقال دانش و تجربیات بین افراد و بخش‌های مختلف سازمان، تضمین می‌کند که دانش لازم برای اتخاذ تصمیمات به موقع و صحیح در دسترس باشد.
  - استفاده از دانش: تشویق کارکنان به به اشتراک گذاری دانش، استفاده از دانش در فرآیندها و تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد فرهنگی از به اشتراک گذاری دانش می‌تواند بهبود قابل توجهی در اقتصاد اطلاعاتی داشته باشد.
  - آموزش و توسعه: ارائه دوره‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای برای کارکنان در زمینه مدیریت دانش و استفاده بهینه از دانش، می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری و اقتصاد اطلاعاتی سازمان را بهبود بخشد.
- بنابراین، مدیریت دانش می‌تواند بهبود اقتصاد اطلاعات را از طریق افزایش بهره‌وری و ایجاد ارزش افزوده برای سازمان، تسهیل کند.

## منابع



۱. دهقان طرزجانی، علیرضا، ابراهیمی، مهرزاد، زارع، هاشم، امینی فرد، عباس. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش نوآوری و مالکیت معنوی بر تحقق اقتصاد دانش بنیان (مطالعه موردی صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات). مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۱۲(۴)، ۱۱۶۴-۱۱۷۳
۲. علی آبادیان، علی، زمانی مقدم، افسانه، خمسه، عباس و حسینی شکیب، مهرداد. (۱۴۰۱). مدل کیفی کسب ارزش در حوزه فناوری اطلاعات مبتنی بر اقتصاد نوآوری با رویکرد داده بنیاد. آینده پژوهی مدیریت (پژوهش های مدیریت)، ۳۲(۱۲۸)، ۶۰-۸۳.
۳. هرمزی نژاد، نوشین، فهیم نیا، فاطمه، التماسی، مهشید. (۱۴۰۲). چارچوب سیاست‌گذاری اقتصاد اطلاعات برای کسب‌وکارهای داده‌محور. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۵(۱)، ۷۲-۹۳.
4. Jasimuddin, S. M., & Saci, F. (2022). Creating a culture to avoid knowledge hiding within an organization: The role of management support. *Frontiers in psychology*, 13, 850989.
5. Kordova, S., Or, O., & Benis, A. (2022). Intergenerational knowledge management in a cutting-edge Israeli industry: Visions and challenges. *Plos one*, 17(7), e0269945.
6. Lee, H. S. (2017). Knowledge management enablers and process in hospital organizations. *Osong public health and research perspectives*, 8(1), 26.
7. Liu, H., Han, P., & Wang, S. (2024). Enhancing corporate social responsibility in the digital economy era: Evidence from China. *Heliyon*, 10(1).
8. Yue, H. (2022). Research on e-commerce data standard system in the era of digital economy from the perspective of organizational psychology. *Frontiers in Psychology*, 13, 900698.
9. Zhou, L., Zhang, S., Zhou, C., Yuan, S., Jiang, H., & Wang, Y. (2024). The impact of the digital economy on high-quality agricultural development—Based on the regulatory effects of financial development. *Plos one*, 19(3), e02935